

نماز و آثار آن در سخنان، سیره و وصیت نامه های شهداء

نرگس کاظمی ترکمن

Email: n.kazemitorkaman@gmail.com

چکیده:

مساله مورد مطالعه در این پژوهش نماز و آثار آن در سخنان، سیره و وصیت نامه های شهداء است. نماز یک واجب الاهی است که خدای متعالی در پنج وعده روزانه مقرر فرموده است و از مهمترین و با شکوه‌ترین جلوه عبادت محسوب می شود تا حدی که هیچ عبادتی برای تقرب و نزدیکی به مولا به پایه نماز نمی رسد. نماز تنها به امت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و اله) اختصاص ندارد بلکه عهد و پیمان الاهی با همه مردم در همه دوران هاست.

این پژوهش از روش کتابخانه ای به صورت فیش نویسی استفاده شده است. هدف این پژوهش شناخت سیره و وصیت نامه شهداء در مورد فریضه واجب نماز است که این بزرگواران اهتمام ویژه ای بر این امر داشتند و شهداء معنای واقعی نماز را درک کردند، آنان کسانی بودند که در شرایط سخت و ناامن نماز را اقامه می کردند و حتی در هنگام نماز به شهادت رسیدند.

واژگان کلیدی: نماز، سیره، وصیت، شهداء.

نماز در لغت و قرآن

الف) تعریف نماز

برای واژه نماز علاوه بر معنای لغوی، معنای اصطلاحی وجود دارد:

نماز در لغت: کلمه صلات در لغت به معنای دعا و خواندن و صدا کردن، در خواست نمودن، نیایش کردن، تسبیح و طلب معنویت و مغفرت آمده است و در اصطلاح شرع مقدس اسلام عبارت است از: عبادتی که متمن مناجات و خضوع در پیشگاه خدای متعالی باشد؛ به عبارت دیگر شرعاً به افعال و اعمال مخصوصی که به نحوه و کیفیت خاص انجام می شود گفته شده است. (شهسواری، ۱۳۸۲، ۲۹)

ب) معنای قرآنی نماز

کلمه صلات در قرآن مجید با مشتقاتش حدود هشتاد مورد استعمال شده که به معنای گوناگونی آمده است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

- ۱- نمازهای واجب: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین وظیفه‌ای مقرر و لازم بر مؤمنان است. (نساء: ۱۰۳)
 - ۲- دین و آیین: «أَصْلَوْتُكَ تَأْمُرُكَ» آیا نمازت به تو دستور می دهد. (هود: ۸۷)
 - ۳- ترحم: «أَوْلَيْتَكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٍ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةً...» اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده. (بقره: ۱۵۷)
 - ۴- دعا: «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ...» به آنها دعا کن. (توبه: ۱۰۳)
- اهمیت نماز از منظر آیات و روایات

قرآن مجید در آیه ۱۰۳ سوره نساء می فرماید: «فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَرُكُوعًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا» و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید؛ ایستاده و نشسته و در حالی که به پهلو خوابیده‌اید و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (به طور معمول) انجام دهید، زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است. این آیه نشانگر اهمیت بالای نماز است

کاربرد تفسیری: «فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَرُكُوعًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ...» دو کلمه «قیام» و «قعود» هم ممکن است جمع قائم و قاعد باشند و هم اینکه مصدر باشند، و در هر حال در این آیه شریفه حال از ذکر خداوند و همچنین جمله: «عَلَىٰ جُنُوبِكُمْ» کنایه است از استمرار ذکر، به طوری که همه احوال را فرا گیرد. می فرماید: «وقتی نمازتان تمام شد بطور دائم و در همه احوال خدای تعالی را بیاد آورید».

« إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا » کتابت کنایه است از واجب بودن و واجب کردن، می فرماید: نماز بر مؤمنین نوشته و واجبی است دارای وقت. کلمه «موقوف» از ماده وقت است، معنایش این است که برای فلان امر فلان وقت را معین کردم.

بنابراین از ظاهر لفظ آیه بر می آید که نماز از همان اول تشریح، فریضه‌ای دارای وقت بوده که باید هر نمازی را در وقت خودش انجام داد. ولی ظاهراً وقت در نماز، کنایه باشد از ثبات و عدم تغیر و خلاصه کلام اینکه ظاهر لفظ منظور نیست، و نمی خواهد بفرماید نماز فریضه‌ای است دارای وقت بلکه می خواهد بفرماید: فریضه‌ای است لا یتغیر و ثابت.

بنابراین اطلاق موقت بر کلمه کتاب، اطلاق ملزوم بر لازمه چیزی است. و مراد از کتاب موقت، کتابی مفروض و ثابت و غیر متغیر است. می خواهد بفرماید: نماز به حسب اصل، دگرگونی نمی پذیرد، پس در هیچ حالی ساقط نمی شود، اگر ما این معنا را ترجیح دادیم برای این است که معنای اول از ظاهر لفظ آیه به ذهن می رسد، با مضمون جمله‌های قبلی

نمی‌سازد، چون مضمون آن جمله‌ها احتیاج به آن نداشت که متعرض موقوف بودن نماز بشود، و بفرماید نماز وقتی معین دارد، علاوه بر اینکه جمله: «إِنَّ الصَّلَاةَ...» در مقام بیان علت جمله: «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» است. معلوم است که ظاهر این تعلیل این است که مراد از موقوف بودن نماز ثابت بودن آن و ساقط نشدنش در هیچ حالی از احوال و مبدل نشدنش به چیز دیگر است، می‌فرماید: نماز نه ساقط می‌شود، و نه مانند روزه به چیز دیگر نظیر کفاره مبدل و عوض می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ۶۳)

روایات زیادی وجود دارد که اهمیت نماز را بیان می‌کند، در این نوشتار به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

الف) «عَنْ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَجَّهٌ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدَكُمْ وَجَهَ دِينِهِ...» حضرت علی (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می‌فرمایند: برای هر چیزی صورتی است و صورت و چهره دین و آیینتان نماز می‌باشد پس (مواظب باشید) کسی از شما چهره دینش را زشت نکند. (نوری، ۱۳۲۰، ج ۳، ۲۶)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۲۹ سوره اعراف می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» در بیان وجه می‌فرماید: وجه هر چیز آن قسمتی است که با آن با چیزهای دیگر روبرو می‌شود، و اقامه وجه در هنگام عبادت در یک انسان کامل عبارت از این است که خود را طوری سازد و آن چنان حواس خود را تمرکز دهد که امر به عبادت قائم به او شود و او بتواند آن امر را بطور کامل و شایسته و بدون هیچ نقصی امثال کند. پس برگشت اقامه وجه در هنگام عبادت به این است که انسان در این موقع دلش چنان مشغول خدا باشد که از هر چیز دیگری منقطع شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ۷۳)

ب) «عن امير المؤمنين (عليه السلام) قال: إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَبِ رَسُولِهِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ فَإِنَّهُ ذِرْوَةُ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ

وَإِقَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمَلَّةُ...» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ۱۶۳). امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید: برترین چیزی که تقرب جویان و متوسل شوندگان به ساحت قدس الاهی، بدان متوسل و متمسک می شوند (عبارتند از) ایمان به خدای متعالی و فرستاده او و جهاد و مبارزه در راه پروردگار زیرا جهاد موجب اعتلا و سرفرازی اسلام می شود، و نیز کلمه اخلاص (یعنی لا اله الا الله) که متقاضی فطرت و سرشت انسانی است، و به پاداشتن نماز زیرا که دین و آیین است...

فلسفه و جوب نماز

نماز، در بیشتر ادیان الاهی همواره به عنوان برترین آیین عبادی و رکن اساسی معنویت و برقرای ارتباط مستقیم با پروردگار مطرح بوده است. قرآن مجید می فرماید: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است. (مریم: ۳۱)

در دین اسلام نماز جایگاه والایی دارد. در بسیاری از آیات، بر پایی نماز در کنار پرداختن به زکات آمده است. آمدن این دو رکن در کنار هم، بیانگر این واقعیت است که یک مسلمان واقعی باید هم در پیوند خود با پروردگار رابطه ای عاشقانه داشته باشد و هم در ارتباط خود با مردم بی تفاوت عمل نکند و به تکالیف واجب و مستحب مالی خود متعهد و نیز به فکر محرومان جامعه باشد. (اسحاقی، ۱۳۹۰، ۳۰)

روایاتی از معصومین (علیهم السلام) وجود دارد که علت و یا حکمت احکام و دستورات شرع مقدس مخصوصاً نماز را بیان می کنند که نمونه ای از آنها را می آوریم:

«عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ صَلَاةِ فَإِنَّ فِيهَا مَشْغَلَةً لِلنَّاسِ عَنْ حَوَائِجِهِمْ وَ مَتَعِبَةً لَهُمْ فِي أَيْدِيهِمْ قَالَ فِيهَا عِلَلٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكُوا بَعْضَ تَنْبِيهِ وَ لَا تَذْكَيرَ لِلنَّبِيِّ ص بِأَكْثَرِ مِنَ الْخَيْرِ الْأَوَّلِ وَ بَقَاءِ الْكِتَابِ فِي أَيْدِيهِمْ فَقَطُّ لَكَانُوا عَلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ فَإِنَّهُمْ قَدْ كَانُوا اتَّخَذُوا دِينًا وَ وَضَعُوا كِتَابًا وَ دَعَوْا أَنَا سَاءَ إِلَيَّ مَا هُمْ عَلَيْهِ

وَقَتَلُوهُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكَ فَدَرَسَ أَمْرُهُمْ وَذَهَبَ حِينَ ذَهَبُوا وَ أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَىٰ أَنْ لَا يُنْسِيَهُمْ ذِكْرَ مُحَمَّدٍ ص فَفَرَضَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةَ يَذْكُرُونَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ يُتَادُونَ بِاسْمِهِ وَ تَعَبَدُوا بِالصَّلَاةِ وَ ذَكَرَ اللَّهُ لِكَيْلَا يَغْفُلُوا عَنْهُ فَيَنْسُوهُ فَيَدْرُسَ ذِكْرَهُ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ۹)

هشام بن حکم گوید: از حضرت امام صادق(علیه السلام) پرسیدم با نظر به اینکه نماز خواندن مردم را از بعضی کارهای زندگی باز می دارد و مانع بدست آمدن بعضی احتیاجاتشان می شود و موجب مشقت در جسم و تن آن ها می گردد به چه دلیل خدای تعالی واجب کرده است؟ حضرت در جواب فرمودند: برای واجب شدن نماز دلایل گوناگونی هست از جمله آن ها این که اگر مردم به پیامبر توجه نکنند و به یاد او نباشند و بیشتر از آنچه که ابتدا شنیده اند مبنی بر بعثت پیامبر و آمدن دین مقدس اسلام و وجود قرآن در میان آن ها، چیز دیگری ندانند و به همین اندازه بسنده کنند، به سرنوشتی دچار خواهند شد که امت های گذشته دچار گشتند زیرا آن ها دینی را برگزیدند، کتاب هایی را برای آن قرار دادند و مردم را به آن دعوت کردند و در راه آن جنگیدند ولی یا رفتن خودشان آثارشان نیز از بین رفت. خواست پروردگار این بود که یاد و آیین محمد(صلی الله علیه و اله) فراموش نشود از این رو نماز را واجب کرد تا روزانه پنج مرتبه به یاد پیامبر و پیامش باشند، نام ایشان را در (اذان، اقامه، تشهد) ببرند و مقید به نماز و یاد خدا شوند تا از او غافل نگردید که مبدا ایشان را فراموش کنید و یادش کهنه و از بین برود».

سیره شهدا در مورد نماز

شهدا دین اسلام را فرا گرفته بودند و با تمام همت به آن عمل می کردند. تمام تلاششان این بود که از مسیر ولایت و اهل بیت(علیهم السلام) خارج نشوند و همه کارهای خویش را برای کسب رضای خدا انجام می دادند و از پیروی ولایت فقیه لحظه ای تردید به خود راه ندادند.

یکی از مهمترین رفتارهای ایشان «التزام به نماز اول وقت» بود. اینکه شهدا جبهه را محل عبادت می خواندند برای این بود که نمازها، راز و نیازها را در دل شب نجوا می کردند.

شهید محمود دولتی مقدم

پس از پایان جنگ، با آقای دولتی در ماموریت خارج از مرز بودیم. موقع نماز شد ایشان دستور توقف داد و به رغم خطرات فراوانی که در منطقه ما را تهدید می کرد، مشغول خواندن نماز شد. در حین نماز متوجه دگرگونی در حالات روحی او شدم پس از نماز علت تغییر روحیه او را سوال کردم. گفت: «در دوران جنگ، یکی از هم سنگرانم مجروح شده بود قبل از شهادت سرش را روی زانویم گذاشت و به نقطه ای خیره شد. کبوتری را دیدم که بی تابانه به سوی او پر کشید و دور سرش به پرواز در آمد پس از دقایقی آن برادر بر روی زانویم آرامش ابدی فرو رفت و پرنده نیز بال زنان از ما دور شد از آن زمان تاکنون هر وقت رفتن یاران و غربت خودم را به یاد می آورم، حضور آن کبوتر را بالای سر خود احساس می کنم» (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۸، ۵۹)

شهید حاج میر قاسم میر حسینی

در سال ۱۳۶۴ یک جلسه سخنرانی برای کارمندان دولت در مسجد رضوان ترتیب داده بودیم. حاج قاسم به عنوان سخنران در این جلسه دعوت شده بود تا درباره مسائل جنگ و مسوولیت امت اسلامی سخنرانی نماید برنامه طوری ترتیب داده شده بود که سخنرانی حاج قاسم هنگام اذان مغرب به پایان برسد.

قبل از اذان حاج آقا بیانی امام جمعه محترم زابل جهت اقامه نماز وارد مسجد شدند. شهید به احترام امام جمعه سخنشان را قطع کردند و از حاج آقا دعوت به ایراد سخنرانی نمودند. حاج آقا گفتند: «چون وقت نماز است، بهتر است برای نماز آماده شویم» شهید هم صحبتشان را قطع کردند و نماز اقامه شد. پس از نماز ما به همراه شهید به منزل استیجاری خود ایشان که

در کنار مسجد بود رفتیم و جلسه در آنجا ادامه یافت. جمعی از مسوولان گروهها و فرماندهان رده های مختلف لشکر ثارالله هم حضور داشتند.

بعضی از رزمندگان به نحوه ی برخورد امام جمعه اعتراض کردند اما شهید در پاسخ گفت: « من از این برخورد امام جمعه تشکر می کنم. زیرا همه تلاش و کوشش ما برای این است که حکومت اسلام در دنیا برقرار گردد و قانون اسلام حاکم و نماز اقامه شود. امام جمعه قصدی جز بر پایی نماز نداشت که هدف ما هم همان بود شما هم ناراحت نشوید». (همان، ۵۷۲)

شهید اسماعیل سریشی

اسماعیل در جمع دوستانه ای که داشتیم خیلی اهل شوخی و خنده بود. اما در پیشگاه خدا بنده ای متواضع و افتاده بود.

در مشهد و در دوره آموزشی بودیم. بعضی مواقع نیمه شب ها متوجه می شدم که اسماعیل روی تخت نیست! تا اینکه یک شب به دنبالش رفتم دیدیم در گوشه ای خلوت و آرام مشغول خواندن نماز شب است.

میثم گرد یکی از دوستان ماست. او یک تسییح از اسماعیل به یادگار دارد وقتی از او درباره نماز شب اسماعیل سوال کردیم بی مقدمه تسییح را نشان داد و گفت: این تسییح نماز شب اسماعیل بود من یک شب بعد از اتمام نماز از او به یادگار گرفتم. (گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۰، ۴۵)

شهید مهدی زین الدین

سردار رشید اسلام، شهید مهدی زین الدین - فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (علیه السلام) - قبل از آن که فرمانده لشکر بشود، به مقام تزکیه رسیده بود. دعاها و گریه های این فرمانده دلسوخته روی بسیجی های لشکرش، اثر عجیبی گذاشته بود. برادر محسن رضایی در همین باره گفته است: هفتاد درصد نیروهای لشکر نماز شب می خواندند. (موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۸، ۳۲)

شهید عبدالحسین برونسی

یک ساعتی مانده بود به اذان صبح جلسه تمام شد آمدیم گردان قبل از جلسه هم رفته بودیم شناسایی تا پام رسید به چادر، خسته و کوفته ولو شدم روی زمین فکر می کردم عبدالحسین هم می خوابد جورابهاش را در آورد رفت بیرون دنبالش رفتم.

پای شیر آب ایستاد آستینها را داد بالا و شروع کرد به وضو گرفتن بیشتر از همه ما فشار کار روی او بود طبیعی بود که از همه خسته تر باشد احتمالش را هم نمی دادم حالی برای خواندن نماز شب داشته باشد. خواستم کار او را بکنم حریف خودم نشدم فکر این را می کردم که تا یکی دو ساعت دیگر سرو کله فرمانده محور پیدا می شود آن وقت باز باید می رفتیم دیدگاه و می رفتیم پشت دوربین خدا می دانست کی برگردیم پیش خودم گفتم: بالاخره بدن توی بیست و چهار ساعت احتیاج به یک استراحتی داره که.

رفتم توی چادر و دراز کشیدم زود خوابم برد اذان صبح آمد بیدارمان کرد بلند شدم و پلکهام را مالیدم چند لحظه ای طول کشید تا چشمهام باز شد به صورتش نگاه کردم معلوم بود که مثل هر شب نماز با حالی خوانده است. (عاکف، ۱۳۹۰، ۹۸)

شهید حاج حسین خرازی

هنگامی که صدای اذان را می شنید با آن شلوغی خط و کارهای مهم می گفت: می خواهم بروم موقعیت الله.

شهید حاج احمد کاظمی

هیچ نمازی ندیدم که احمد بخواند و در قنوت یا پایان نماز گریه نکند و پیوسته این ذکر یارب الحسین یا رب المهدی یا رب الشهداء ورد زبان احمد بود.

دریای اخلاص

در عملیات والفجر ۱، گردان قمر بنی هاشم از لشکر سیدالشهدا (ع) قرار بود یک گردان عملیاتی باشد. محوری که بنا بود آنجا عمل کنیم، به نام « پیچ انگیزه » معروف بود. شب

عملیات، موقع پیشروی ، خمپاره ای نزدیک یکی از دسته ها خورد ، فرمانده گردان شهید ساربان نژاد و نیز یکی از فرماندهان گروهانها که به او برادر رقی می گفتند ، نزدیک آن دسته بودند که هر دو مجروح شدند

وظیفه ما در آن عملیات ، حمل مجروح بود. این برادران را از توی شیارها بالا آوردیم و به داخل یکی از سنگرهای عراقی که بچه ها تصرف کرده بودند، منتقل کردیم . به طرف یکی از بچه ها برگشتم و گفتم : پایین شیار را نگاه کن، ببین بین شهدا کسی هست که مجروح شده باشد تا او را اول بیاوریم بالا؟

صبح که یکی از بچه ها رفته بود پایین ببیند وضعیت شهدا چگونه است، می گفت: یکی از مجروحین وقتی که می فهمد رفتنی است، جانمازش را پهن کرده بود و در همان حالت ، با آن جراحت شدید نماز شبش را خوانده بود

با شنیدن این ماجرا همه بچه های توی سنگر سرشان را پایین انداختند. کسی که خبر را آورده بود، تاب نیاورد و زد زیر گریه ، وقتی آدم با دریایی از معنویت رو به رو می شود ، چه می تواند بکند؟ (محمدی، ۱۳۹۵، کد: ۱۸۳۰)

نماز در سنگر

یکی از شهدا به نام شهید محمد لطفی دارای یک ویژگی بسیار جالب بود. او یکی دو ساعت مانده به اذان صبح بر می خاست یک پارچه می انداخت روی دوشش و شبیه چوپانان می شد. او شروع می کرد به خواندن چند بیت شعر و کم کم همه از خواب بیدار می شدند و جهت نماز شب آماده می شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند
گرد در باب دوست پرواز کنند
هر جا که دری بود به شب در بندند
الا که در دوست رابه شب باز کنند

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند

فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

بعد از مدتی حسینیه پر از انسان های عاشق می شد و می دیدی که آنها مشغول نماز شب و عبادت می شدند. البته این اقدام شهید لطفی اعتراض هیچ کس را در بر نداشت بلکه همه خوشحال هم می شدند و خدا را شکر می کردند که در کنار چنین انسان های مخلصی زندگی می کنند. (دربانیان، ۱۳۹۵، کد: ۱۶۰۵)

خاطره نماز اول وقت شهید رجایی

سرلشکر سیدحسن فیروزآبادی رئیس ستادکل نیروهای مسلح خاطره ای در دوران ریاست جمهوری شهید رجایی بیان می کند که درارتباط با نماز اول وقت ایشان بوده است: در زمان ریاست جمهوری شهید رجایی، مراسم بزرگی در میدان امام حسین (علیه السلام) تهران برگزار شد. سخنران مراسم، آن شهید بزرگوار بود. بنده هم به عنوان یک علاقه مند در آن مراسم حضور داشتم. دقیقاً به خاطر ندارم که ایشان سخنرانی را آغاز کرده بود یا وقتی که ایشان رسید به جایگاه وقت اذان بود، اعلام کردند وقت اذان است من اینجا نماز را می خوانم و بعد از نماز سخنرانی می کنم همانجا در جایگاه ایستادند و نماز گزارند بعد از نماز مشغول سخنرانی شدند.

آقای فیروزآبادی می گوید: شهید رجایی انسانی بود که به حرفی که میزد عمل میکرد. ایشان قبلاً گفته بود به نماز نگویند کار دارم به کار بگویند نماز دارم. (فیروزآبادی، ۱۳۹۵، کد: ۱۵۴۴)

از نماز تا شهادت

حجت الاسلام و المسلمین سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله نقل می کند:

قرار بود «علی منیف اشمر» یک کاروان نظامی اسرائیلی را، طی یک عملیات استشهادهی منفجر کرده و نابود کند. یکی از دوستانش از دور او را با دوربین زیر نظر داشت. علی اشمر تا نزدیکی‌های پایگاه رسیده بود. طبق شناسایی‌های انجام شده، قرار بود کاروان نیروهای اسرائیلی در یک ساعت مشخصی از آنجا عبور کنند و علی باید خودش را به آنها نزدیک کرده و منفجر می‌کرد. فیلمبردار، با تیراندازی مزدوران اسرائیلی از موقعیت خودش خارج می‌شود و نمی‌تواند فیلم بگیرد. علی اشمر در موقعیت از پیش تعیین شده مستقر بود که کاروان نظامی به آنجا نزدیک می‌شود. با بی‌سیم به او اطلاع می‌دهند که عملیات را شروع کند، اما پاسخی نمی‌شنوند. هر چه بی‌سیم می‌زنند علی جواب نمی‌دهد. کاروان صهیونیست‌ها از آن محل عبور کرده و از سه‌راهی رد می‌شود، کمی بعد علی اشمر بی‌سیمش را جواب می‌دهد. می‌پرسند: کجا بودی؟ می‌گوید: داشتم نماز می‌خواندم. وقت نماز بود. می‌گویند: ما این همه تلاش کردیم تا به این برنامه‌ریزی رسیدیم. نقشه‌هایمان را خراب کردی! علی اشمر می‌گوید: صبر کنید، این کاروان بازخواهد گشت و من باید اینها را بکشم. می‌گویند: ما شناسایی کردیم، و می‌دانیم که مسیر این کاروان همین بوده و باز نمی‌گردد. علی به آنها اطمینان می‌دهد که کاروان بازمی‌گردد و عملیات با موفقیت تمام می‌شود بعد از ساعتی در کمال تعجب کاروان نظامی اسرائیلی دوباره از همان مسیری که رفته بود باز می‌گردد و گفته‌های علی اشمر به واقعیت می‌پیوندد علی لباس نیروهای اسرائیلی را پوشیده بود؛ هنگامی که نظامیان اسرائیلی به محل استقرار او می‌رسند، جلو می‌رود و سلام نظامی می‌دهد. یکی از مزدوران به او شک می‌کند که ما اینجا نه دژبانی داریم، نه پایگاه، نیروی ما اینجا چه می‌کند؟! و تا می‌آید اقدامی بکند، علی خودش را به ماشین نظامیان می‌کوبد و آنها منفجر می‌کند و خود نیز به فیض شهادت نائل می‌آید. رفیق فیلمبردارش که از معرکه گریخته بود، می‌گوید: هنگامی که علی خواست به سمت کاروان نظامی برود، من دیدم که رو به سمتی ایستاد و به نشانه ادب و سلام دستش را بلند کرد. این کار او برایم جای سوال بود که بعد از عملیات، خواب علی را دیدم.

علی به من گفت: تو نباید از من فیلمبرداری می‌کردی، تو نباید مرا می‌دیدی. گفتم: چرا؟ گفت: من وقتی این طرف جاده نشسته بودم، حضرت عزرائیل با یک چهره بسیار زیبا روبه‌روی من در آن طرف جاده نشسته بود. حضرت عزرائیل به من گفت: این کاروان که می‌رود، برمی‌گردد و تو آن موقع خودت را وسط کاروان منفجر خواهی کرد. از علی پرسیدم: چرا قبل از حرکت، دستت را بلند کردی؟ جواب داد: من در آن لحظه مولایم آقا امام زمان (علیه السلام) را دیدم و به ایشان عرض ادب کردم.

این حادثه، یادآور جریان «لیله الحریر» است؛ شب معروفی در جنگ صفین که از دشوارترین شب‌های جنگ بود. وقتی امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در حال اقامه نماز بودند، شخصی نزد ایشان آمد و عرضه داشت: «یا امیر المؤمنین، الآن چه وقت نماز است؟» ایشان فرمودند: «ما برای این نماز با آن‌ها می‌جنگیم. (نصرالله، ۱۳۹۵، کد: ۱۵۰۶)»

وصیت نامه شهدا در مورد نماز

شهید علی اصغر پرورده

برادران مسلمان و خواهرانم، نماز معیار قبولی طاعت‌هاست، پس نماز جماعت را ترک نکنید. شما فکر می‌کنید که شهدا از چه طریق به این سعادت رسیده‌اند. مطمئن باشید که از طریق همین نماز جماعت‌هاست.

شهید ابوالقاسم حجتی

رمز پیروزی انقلاب اسلامی توحید بود و نماز جمعه و جماعات تجلی توحید است. سعی

کنید مساجد خالی نگردد

شهید محمدرضا شکوری

نماز جماعت و نماز جمعه را به خوبی و با شکوه انجام دهید. زیرا که قلبها متصل شده و کینه‌ها را از میان برود و در نتیجه دشمن نمی‌تواند این قلب‌های بهم فشرده و استوار را از هم جدا کند و این اتحاد شما باعث می‌شود که وحشتی عظیم در دل آنان بیفتد

شهید محمدغریب بلوک

پیام من به امت حزب الله این است که نماز جماعت را بپا دارند که ما برای نماز می‌جنگیم

شهید حسن ادیبی

نمازها را با حضور قلب به پای دارید و در نماز جماعت و جمعه‌ها شرکت کنید.

شهید محمدعلی رحیمی

برادران و خواهران! نمازتان را در اول وقت بخوانید و احکام و قوانین اسلام را به نحو احسن

انجام دهید

شهید محمدولی حاجیان

برادران و خواهرانم، از شما می‌خواهم نماز را سبک نشمارید

شهید جواد وزین

نماز را به پا دارید که نماز شما را از فحشا و منکرات دور نگه می‌دارد

شهید غلامرضا ایزدخواه

از خواهرم می‌خواهم، که نمازهایش را مرتب بخواند و سخت مراقب باشد

شهید عبدالرضا زیبایی

نمازها را با حضور قلب و توجه بخوانید و به آنها اهمیت بدهید که امیرمؤمنان(ع) می فرماید:

مغز و حقیقت عبادت، دعاست

شهید علی احمدزاده

نماز را به پای دارید، نماز را در سر وقت بخوانید و نماز را کوچک نشمارید زیرا کوچک

دانستن نماز ظلم کردن به خود است. (برگرفته شده از وصیت نامه شهدا، سایت تنظرون)

شهید هیبت الله فرجی

نماز عشق دو رکعت است که وضوی آن جز با خون صحیح نیست. نمازی است که هر جا نمی شود بجا آورد مگر در قتلگاه، پس با فضیلت ترین آن در حرم کربلاست.

نماز عشق دو رکعت است مقدمات فراوان می خواهد، اول عاشق باید دل را به اشک شستشو دهد؛ بعد، از عشق لقاء بسوزد. تا آنکه این سوختن در خانه تنش افتد و با خون، وضویش را آماده سازد.

نماز عشق دو رکعت است بعد از نماز، ملائک را در اطراف می بینی که آماده اند تا تو را به معراج و دیدار خدا برند. معمولاً در جبهه بجا آورده می شود. بر تمامی آنها که به جبهه مشرف شده اند واجب می شود؛ چون شهادت را انتخاب کرده اند. این دو رکعت نشانه ی پیروزی است. چون شهادت نیز خود پیروزی است.

نماز عشق دو رکعت است اما نمی شود؛ نوشت چرا که نوشتن برای این نشاید.

نماز عشق دو رکعت است رکعت اول: خونین شدن تن رکعت دوم: آزاده شدن روح.

کسی نیست و نخواهد آمد که لذت و مناجات این نماز را بداند، چرا که بجا آورندگان آن شهیدانند و کسی ندانست که عاشق با این نماز تا کدامین منزل دوست را پیمود اما غنچه های باز شده خونین در بدنش گواهی می دهند که به سر منزل لقاء رسیده است. (محمودی، ۱۳۹۲)

نتیجه گیری

یکی از پایه های اساسی دین مقدس اسلام نماز است که برای برقراری ارتباط بنده با خدای متعالی تشریح شده است. نماز آنچنان اهمیتی دارد که از آن به معراج مومن یاد شده است. اولین چیزی که بر هر مسلمانی واجب شده نماز است و اولین چیزی که در روز قیامت مورد محاسبه قرار می گیرد نماز است.

شهداء اسلام و دین را فرا گرفته و به آن عمل کرده اند و تمام تلاش و همتشان برای رضای الهی بوده و از این مسیر خارج نشده اند. یکی از مهمترین رفتارهای ایشان مربوط به نماز است آنان در این امر مهم آنچنان عزم خویش را جزم کرده بودند که برای اجرا و احیای آن، از جان و مال و خانواده و مقام و ... خود گذشتند و خون خویش را دریغ نکردند و این ایثار و فداکاری و از خودگذشتگی شهادت در راه خدا را نصیبشان کرد.

منابع

*قرآن مجید، ترجمه ناصر مکارم شیرازی

- ۱- اسحاقی، حسین، ۱۳۹۰، نماز نشان بندگی، قم، نشر خادم الرضا(علیه السلام).
- ۲- حر عاملی، محمد بن حسن، مصحح: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۹، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه آل البیت (علیهم السلام).
- ۳- شریف الرضی، محمد بن حسین، مصحح: صالح، صبحی، ۱۴۱۴، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، چاپ اول، قم، نشر هجرت.
- ۴- شهسواری، حسین، ۱۳۸۲، نماز چهره دین، چاپ اول، قم، نشر مهر دلدار.
- ۵- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

- ۶- عاکف، سعید، ۱۳۸۴، خاک های نرم کوشک، مشهد، ناشر مولف.
- ۷- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۰، شیدای شهادت، چاپ دوم، تهران، نشر امینان.
- ۸- موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۸، سیره شهادی دفاع مقدس (۱۴) نماز و نیاز، چاپ اول، تهران، نشر موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- ۹- موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۸، سیره شهادی دفاع مقدس (۲) فقط خدا، چاپ اول، تهران، نشر موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- ۱۰- نوری، حسین بن محمد تقی، مصحح: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

مقالات

- ۱۱- دربانیان، ابوالفضل، ۱۳۹۵/۶/۲۸، نماز در سنگر، نشر نماز عشق، کد ۱۶۰۵.
- ۱۲- فیروزآبادی، سید حسن، ۱۳۹۵/۶/۷، خاطره نماز اول وقت شهید رجایی، نشر افکار نیوز، کد ۱۵۴۴.
- ۱۳- محمدی، محمد، ۱۳۹۵/۹/۱۴، دریای اخلاص، نشر نماز شب شهیدان، کد ۱۸۳۰.
- ۱۴- محمودی، مهدی، ۱۳۹۲، وصیت نامه شهدا، وبلاگ نماز اوج بندگی.
- ۱۵- نصرالله، سید حسن، ۱۳۹۵/۵/۲۳، از نماز تا شهادت، نشر کتاب (سید عزیز) زندگی نامه خود گفته سید حسن نصرالله، کد ۱۵۰۶.
- سایت نظرون، ۱۳۹۶/۸/۲۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی